



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

علم «مناسبة الآيات و السور» یکی از دانش‌های قرآنی است که در پی شناخت پیوند آیات و سوره‌های قرآن کریم است. از پیش‌فرض‌های مسلم این علم آن است که گرچه همه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی قرآن کریم در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم به ترتیب فعلی مصحف نازل نشده‌اند و نزول هر یک از آن‌ها به تناسب رخداد‌های دوران رسالت بوده است، ولی تنظیم و ترتیب قرار گرفتن آن‌ها در مصحف شریف بر اساس حکمت و مطابق ترتیب پیش از نزول آن‌ها در لوح محفوظ بوده و توقیفی است و این امر مهم با تعلیم و نظارت مستقیم پیامبر اکرم سامان یافته است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲/۹۷۶-۹۹۴). این علم مانند بسیاری از علم‌های علوم قرآنی نیازمند واکاوی و بازخوانی دوباره بر پایه‌ی آموزه‌های قرآن و همه‌ی احادیث رسیده از پیامبر اکرم و ائمه‌ی طاهرین است تا بتواند نقش خود را در شناخت قرآن و فهم آن به خوبی ایفا کند. در تعالیم پیامبر اکرم و ائمه‌ی اهل بیت به تلاوت پی‌درپی دو یا چند سوره با هم تأکید و توصیه شده و عناوین مشترکی به دو یا چند سوره داده شده است. این نوشتار ابتدا دلایل روایی ناظر به جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی و توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌ها را آورده است، سپس با بررسی مضامین احادیثی که بر تلاوت و قرائت دو سوره با هم سفارش فرموده‌اند یا به پیوند آن دو اشاره کرده‌اند، در پی آن است که نشان دهد بر پایه‌ی تعالیم پیامبر اکرم و ائمه‌ی طاهرین، میان سوره‌های قرآن نظم‌ی با عنوان «زوجیت سوره‌های قرآن» قابل کشف است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۲) که از آن می‌توان در شناخت و فهم دقیق‌تر ساختار و مضامین سوره‌های قرآن بهره برد و بر غنای مباحث دو علم تناسب آیات و سوره‌ها و علم سوره‌شناسی افزود.

۱. جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی

رسول خدا ﷺ پس از نزول هر قسمت از قرآن، آن را به کاتبان وحی املاء می‌کردند و بر اِقرأ و تعلیم آن به مسلمانان اهتمام داشتند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۴). بر پایه‌ی نظام تعلیم و تعلّم قرآن در سیره‌ی نبوی، بایسته است هر مسلمانی پس از فراگیری شفاهی هر مقدار از قرآن و تثبیت آن در قلب، آن را کتابت کند، در مصحفی گرد آورد و از آن پس، بر تلاوت و قرائت خویش با نگاه به متن مکتوب قرآن (مصحف)، مداومت و تعاهد داشته باشد؛ زیرا اگر قرآن، ذکر و زمزمه‌ی زبان نگردد و به نگارش درنیاید و قرآن‌آموزان از مصحف استفاده نکنند، فراگرفتن قرآن از شتر جوانی که پای او را بسته‌اند و با این حال، تلاش می‌کند که خود را از بند آن برهاند، فرارتر است (ابوعبید، بی تا، ۷۰).

برای کتابت قرآن، ابتدا مسلمانان نزد پیامبر اکرم ﷺ می‌رفتند، ولی در مدینه صحیفه‌های مکتوب قرآن را داخل مسجدالنّبی قرار می‌دادند تا همه بتوانند از آن رونویسی کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۱۲۱-۱۲۲؛ ابن‌ابی‌داوود، ۱۴۰۵: ۱۸۶ و ۱۹۴). در مرحله‌ی نزول تدریجی به مدّت ۲۳ سال، قرآن به تدریج در قالب یک سوره‌ی کامل یا یک واحد موضوعی (رکوع) یا گاهی یک آیه و بیشتر نازل می‌شده است. پیامبر اکرم ﷺ با نظارت و تعلیم وحی الهی، این تنزیل تدریجی را به ساختار کامل و منظم قرآن در نزول دفعی ارجاع می‌دادند و مطابق آن، جایگاه آیات و سوره‌ها را در یک مجموعه‌ی منظم و مدوّن شفاهی به نام «قرآن» و متن مکتوب آن را به نام «مصحف»، تعیین و تدوین می‌کردند (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲/۹۷۷) که ۱۲ گزارش زیر ناظر به تأیید و تثبیت این مسئله است:

۱. عثمان بن عفّان می‌گوید: «زمانی نسبتاً طولانی بر رسول خدا گذشت تا در این

مدت سوره‌های پُر آیه‌ی قرآن نازل [و کامل] شدند؛ پس هرگاه آیه یا آیاتی از این سوره‌ها نازل می‌شدند، رسول خدا برخی کاتبان قرآن را فرا می‌خواند و می‌فرمود: این آیه یا آیات را در سوره‌ای که در آن از فلان مطلب یاد شده، قرار دهید» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۵۲۹/۱).

۲. چنانکه با نزول آیه‌ی «وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...» که بر پایه‌ی برخی روایات، آخرین آیه‌ی نازل شده‌ی قرآن است (قتاده، ۱۴۰۹: ۵۱)، پیامبر اکرم با تعلیم وحی الهی دستور دادند که آن را پس از آیه‌ی ۲۸۰ سوره‌ی بقره قرار دهند (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۹/۲).

۳. همچنین از عثمان روایت شده است: «هرگاه سوره‌ای از قرآن نازل می‌شد، رسول خدا بعضی از کسانی که قرآن را کتابت می‌کردند، فرامی‌خواند و می‌فرمود: این سوره را در موضع و جایگاهی که در آن از فلان مطلب یاد شده است، قرار دهید» (ابوعبید، بی تا: ۲۸۰).

با تکمیل سوره‌ها، دوباره آن‌ها را بر روی صحیفه‌ها و ورق‌های مناسبی که برای ترتیب و تدوین نهائی و جاویدان سوره‌ها در متن کامل قرآن آماده کرده بودند، بازنویسی می‌کردند و این اوراق و صحیفه‌ها را به یکدیگر می‌دوختند.

۴. زید بن ثابت می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقْعِ» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۲۲۸/۶). «نُؤَلِّفُ» از ریشه «أَلَفَ» به معنای انس دادن، وصل کردن، پیوند دادن و به هم دوختن دو یا چند چیز برای جمع، تنظیم و ترتیب آن‌ها آمده است. «رَقْع» نیز جمع «رَقْعَه» به معنای ورقه‌های یهن و گسترده‌ای است که قابلیت تورق و عطف شدن و پیوند خوردن به یکدیگر را دارند. حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ق) این حدیث را صحیح و آن را دلیل روشن جمع قرآن در عهد نبوی می‌داند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۶۸ / ۲).

بدین سان، عمل تعیین و تنظیم آیات در متن سوره‌ها و ترتیب و تدوین سوره‌ها در متن نسخه‌ی کامل قرآن، با تعلیم و نظارت مستقیم رسول خدا و در حضور چندین نفر از کاتبان وحی و معلّمان قرآن انجام می‌شد؛ به طوری که هر سوره‌ی قرآن دارای ابتدا و انتها و مستقل از دیگری بود و نام مخصوصی داشت و جایگاه آن در متن مکتوب قرآن (مصحف) معین بود. وقتی وفد (هیئت نمایندگی) قبیله‌ی ثقیف از شهر طائف در ماه رمضان سال نهم هجری وارد مدینه شد (ابن هشام، ۱۴۱۶: ۱۸۰/۴)، آنان با مجموعه‌ی تقریباً کامل متن مکتوب قرآن که حزب‌بندی شده و سوره‌های هر حزب نیز مشخص بود، روبه‌رو شدند.

۵. اوس بن حذیفه‌ی ثقیفی می‌گوید: «به همراه وفد ثقیف در مدینه بر رسول خدا وارد شدیم. آن حضرت ما را در خیمه‌ای در مسجد مستقر کرد تا قرآن را بشنویم و مردم را هنگام خواندن نماز ببینیم (ابن شیه، بی تا: ۵۰۲/۲). رسول خدا هر شب پس از نماز عشا به دیدن ما می‌آمد و ضمن گفتگو، قرآن و فرائض را به ما می‌آموخت. یک شب، آن حضرت کمی دیرتر از وقت همیشه به دیدن ما آمد. علت را جویا شدیم. فرمودند: حزبی از قرآن در خاطرم گذشت. دوست داشتم آن را کامل کنم و سپس به سوی شما بیایم. از اصحاب رسول خدا پرسیدیم پیامبر قرآن را چگونه حزب‌بندی می‌کند؟ آنان گفتند: «كَانَ يَحْزِبُهُ ثَلَاثًا وَ خَمْسًا وَ سَبْعًا وَ تِسْعًا وَ إِحْدَى عَشْرَةَ وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ حِزْبُ الْمُفْصَلِ» (طبرانی، بی تا: ۲۲۰/۱)؛ یعنی پیامبر اکرم قرآن را به هفت حزب تقسیم کرده و آن را به اصحاب آموزش داده‌اند: سه سوره‌ی اول (بقره، آل عمران و نساء) در حزب اول؛ پنج سوره‌ی بعدی در حزب دوم؛ هفت سوره‌ی بعدی در حزب سوم؛ نه سوره‌ی بعدی در حزب چهارم؛ یازده سوره‌ی بعدی در حزب پنجم؛ سیزده سوره‌ی بعدی در حزب ششم؛ و «حزب مفصل» از سوره‌ی «قاف» تا «ناس» (شامل

زوجیت سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی زوج سوره کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۱۷۷

۶۵ سوره) که در حزب هفتم قرآن است (طبرانی، بی تا: ۴۱/۱۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۸۹/۲۶).

مجموع این سوره‌ها ۱۱۳ سوره‌اند که با احتساب فاتحة‌الکتاب، ۱۱۴ سوره می‌شوند. با توجه به جایگاه خاص فاتحة‌الکتاب به عنوان «أم القرآن» و «أم الكتاب» (دارمی، ۱۴۳۴: ۷۶۸)، این سوره خارج از حزب‌های قرآن قرار گرفته است. نام معروف آن (فاتحة‌الکتاب) نیز نشان‌دهنده‌ی مجموعه‌ی منسجم و هماهنگ قرآن است که آغازش با این سوره است؛ چنانکه:

۶. وقتی ابن عباس قرآن را نزد ابی بن کعب ختم کرد، ابی به او تعلیم داد: دوباره حمد و پنج آیه‌ی اول سوره‌ی بقره را بخوان؛ زیرا هنگامی که من نیز قرآن را نزد پیامبر اکرم ختم کردم، آن حضرت این را به من تعلیم داد (ابن جزری، بی تا: ۴۴۰/۲-۴۴۴).

۷. عثمان بن ابوالعاص یکی دیگر از افراد وفد ثقیف، می‌گوید: «شب‌ها نزد رسول خدا قرآن می‌آموختم و در غیاب ایشان نزد ابوبکر یا ابی بن کعب می‌رفتم (واقعی، ۱۴۰۹: ۳/۹۶۶). (در وقتی دیگر) مصحفی را که نزد رسول خدا بود خواستار شدم، ایشان آن را به من عطا کرد» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۳/۱۹۱).

۸. ابن ابی عاصم (د ۲۸۷ق) گزارش یاد شده و حدیث «لَا تُسَافِرُوا بِالْمَصَاحِفِ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ» (با مصحف‌ها به سرزمین دشمن سفر نکنید) را از جمله دلائلی می‌داند که برای جمع قرآن در مصاحف در عهد نبوی به آن احتجاج می‌شود (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۳/۱۹۱).

۹. ابوامامه‌ی باهلی گزارش می‌کند که در حجة‌الوداع، رسول خدا مردم را به اخذ دانش، قبل از رفتن آن توصیه کردند...؛ فردی اعرابی از ایشان پرسید: چگونه علم از

میان ما برداشته می‌شود در حالی که مصاحف در دسترس ماست و آنچه در آنهاست را فراگرفته‌ایم و به زنان و فرزندان و خادمان خود تعلیم داده‌ایم ... پیامبر در پاسخ فرمودند: از دست دادن حاملان علم، موجب از دست رفتن علم می‌شود (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۶۶/۵).

۱۰. در احادیث ختم قرآن، رسول خدا ختم قرآن را در ۴۰ یا ۳۰ روز توصیه می‌کنند و در مقابل اصرار برخی جوانان عابد، ختم در کمتر از یک هفته (و در ماه رمضان، کمتر از سه روز) را روا نمی‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۸/۲). از رسول خدا سؤال شد: کدام عمل فضیلت بیشتری دارد؟ فرمودند: «الْحَالُ الْمُتَحِلُّ؛ صَاحِبُ الْقُرْآنِ يَضْرِبُ مِنْ أَوَّلِ الْقُرْآنِ إِلَى آخِرِهِ، وَمِنْ آخِرِهِ إِلَى أَوَّلِهِ، كُلَّمَا حَلَّ ارْتَحَلَ» (دارمی، ۱۴۳۴: ۷۸۶). هم صحبت [ی] با قرآن، کسی که قرآن را از آغاز تا پایان و از پایان تا آغازش می‌خواند، هر بار که ختم او پایان می‌پذیرد، دوباره ختم دیگری را آغاز می‌کند.

۱۱. پیامبر اکرم فرمودند: «خداوند سوره‌های سبع طوال را به جای تورات و سوره‌های مئین (کم و بیش صد آیه‌ای) را به جای انجیل و سوره‌های مثنی را به جای زبور به من داده است و سوره‌های [حزب] مفضل، فضلی است که خداوند مرا به آن برتری و فضیلت بخشیده است» (ابوعبید، بی تا: ۲۲۵).

سبع طوال به هفت سوره ی طولانی ابتدای قرآن (بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و توبه) گفته می‌شود که در این اصطلاح، سوره ی انفال و توبه که از دیرباز با عنوان «قَرَيْنَتَيْنِ» شناخته شده‌اند (ابن شُبّه، بی تا: ۱۰۱۶/۳)، یکی محسوب شده‌اند، ولی در خارج از این اصطلاح، هر کدام سوره ی مستقلی است.

۱۲. رسول خدا فرموده‌اند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي؛ وَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي

زوجیت سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی زوج‌سوره کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۱۷۹

أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۰/۲)؛ من کتاب خدا و عترتم را که اهل بیت من هستند و هر دو گران بها و نفیس‌اند، میان شما می‌گذارم. کتاب خدا رشته‌ای است که از آسمان تا زمین کشیده شده است. خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه کنار حوض [کوثر] نزد من آیند، پس با دقت ببینید چگونه با این دو میراث من تعامل خواهید کرد.

سید مرتضی (۴۳۶ق) فقیه، محدث و متکلم زبردست امامیه بر این باور است که «قرآن در زمان رسول خدا به همین ترتیب کنونی جمع و تدوین شد؛ زیرا قرآن محور اصلی تعلیم و تعلم بود و همه ی متن آن در همان زمان حفظ و تثبیت می‌شد. گروهی از صحابه قرآن را بارها به پیامبر اکرم عرضه و ختم کردند. این دلایل با اندک تأملی، دلالت بر این دارند که قرآن یک مجموعه‌ی مرتب و مدون بوده و آیات و سوره‌های آن پراکنده و گسسته نبوده‌اند. بنابراین، نباید از این دلایل معلوم و درست و قطعی دست کشید و به بعضی اخبار ضعیف که برخی اصحاب حدیث آن‌ها را صحیح پنداشته و گزارش کرده‌اند و برخی امامیه و حشویه به آن‌ها اعتماد کرده‌اند، اعتنا کرد» (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۶۳).

آیت الله بروجردی (د ۱۳۴۰ش) از مراجع عظام تقلید و فقیهان امامیه در سده ی اخیر نیز معتقد است: «جمع قرآن قطعاً بدان گونه که اکنون در دست ماست در زمان پیامبر اکرم سامان یافته است». از این رو ایشان روایات شیعه و سنی را که بیانگر جمع قرآن پس از پیامبر است، مجعول و «موضوع» (ساختگی) می‌داند. به باور ایشان، «هدف عامه‌ی (اهل سنت) از نقل این روایات، بیان فضیلت ابوبکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام است؛ ... در روایات آنان، جمع قرآن به دست علی دلیل

حضور نیافتن آن حضرت در مسجد و بیعت با ابوبکر دانسته شده است. شیعه نیز در ادامه ی این روایت افزوده است: علی پس از جمع قرآن، آن را به مسجد برد، ولی آنان نپذیرفتند. از گزارش این گونه روایات می فهمیم که هر دو فرقه، خواهان بیان مناقب و تنزیه ائمه ی خویش از هر گونه خطایند. ولی نمی دانند با نقل این گونه روایات جعلی چه بر سر کتاب خدا آورده اند» (موسوی دارابی، ۱۳۹۳: ۱۴۴/۴-۱۴۵؛ نیز رک: شبیری، ۱۳۸۸، ۱۵۱؛ رجبی قدسی، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۱۳۵).

در روایت تقسیم قرآن به هفت حزب، به نام سوره ها اشاره نشده است. علت را می توان در بی نیازی راویان از ذکر آن ها دانست؛ زیرا نخست آنکه اغلب مسلمانان این ترتیب را به تواتر می دانستند. دوم اینکه قرار گرفتن سوره ها در متن مکتوب قرآن (مصحف)، خود بهترین روایت و سند کتبی بر جایگاه و ترتیب آن هاست. با این حال، در روایات آداب ختم قرآن، به حمد و سوره ی بقره به عنوان سوره های آغازین قرآن و سوره ی ناس، آخرین سوره ی اشاره شده و در روایت اوس بن حذیفه، به شروع حزب مفصل با سوره ی «قاف» تصریح شده است.

به هر روی، این پرسش مطرح است که چرا سوره های آغازین نزول تدریجی در ابتدای مصحف قرار نگرفتند؟ ربیعہ الرّای، ربیعہ بن ابی عبدالرحمن فروخ تیمی (د۱۳۶ق) - از فقیهان متقدم مدینه - در پاسخ به این پرسش که چرا دو سوره ی بقره و آل عمران در ابتدای مصحف قرار گرفته اند، در حالی که قبل از این دو، هشتاد و اندی سوره در مکه نازل شده بودند؟ گفت: «این دو سوره قبل از سوره های دیگر قرار داده شده، [زیرا] تنظیم و تألیف قرآن بر اساس علم کسی است که با قرآن انس داشته و همواره با آن همدم و هم زبان بوده است. اصحاب بر علم ایشان اجتماع کرده اند [و این نظم و ترتیب را پذیرفته اند]. از این رو علت و پاسخ آن به ایشان باز می گردد، ولی از

ایشان درباره‌ی این نظم و چینش، سؤال نشده است» (ابن شبّه، بی تا: ۱۰۱۶/۳-۱۰۱۷).
با توجه به ساختار سوره‌های قرآن و تفاوت آن‌ها به لحاظ حجم و اسلوب بیانی و مضامین و محتوای آن‌ها می‌توان گفت، قرآن دارای دو ترتیب است: ترتیب اول به آخر از حمد تا سوره‌ی ناس، ترتیبی است برای ارائه‌ی قرآن به‌عنوان کتاب و ترتیب دوم از سوره‌ی ناس تا حمد، ترتیب آموزشی - پژوهشی - تربیتی قرآن است. ترتیب دوم با اندکی تسامح، ترتیب نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم است که با اندکی ویرایش (جابه‌جایی سوره‌ها) از سوی خدا و رسول او تعلیم، تثبیت و جاودانه شده است؛ برای مثال، برخی سوره‌ها مانند «تحریم»، «ممتحنه» و «مجادله» که در مدینه نازل شده‌اند، در کنار سوره‌های مکی و در جایگاه اصلی خود در حزب مفصل قرار گرفتند؛ زیرا گرچه نزول و ابلاغ تدریجی قرآن مطابق وضعیت مخاطبان نخستین قرآن و رویدادهای رسالت پیامبر اکرم بوده است، اما تنظیم و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن در مصحف شریف بر اساس حکمت و به منظور تزکیه‌ی همه‌ی انسان‌هاست (سیوطی، ۱۴۱۶: ۹۷۷/۲).

مبتدی و نوآموز، یادگیری، کتابت و فهم قرآن را از آخرین سوره، سوره‌ی ناس آغاز کرده و به بقره ختم می‌کند. پیامبر اکرم می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا [وَأَنَّ سَنَامَ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةَ]، وَأَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ يَسُّ، وَأَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ بَابًا وَبَابُ الْقُرْآنِ الْمُفْصَلُ» (شیبانی، بی تا: ۲۳/۱)؛ و از ابن مسعود مرفوعاً روایت شده است: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا وَ سَنَامُ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ، وَ لِكُلِّ شَيْءٍ لُبَابٌ وَ لُبَابُ الْقُرْآنِ الْمُفْصَلُ» (ابن وهب، ۲۰۰۳: ۲۰/۳)؛ هر چیزی نقطه اوج و بلندایی دارد و سوره‌ی بقره بلندای قرآن است؛ هر چیزی باب (و مسیر ورود) و لبابی (خلاصه و چکیده‌ای) دارد و سوره‌های حزب مفصل، مسیر ورود به قرآن و هسته و مغز آن هستند.

بنابراین شروع آموزش و تحقیق و تفسیر از سوره‌ی بقره به عنوان «سنام قرآن» صحیح و اصولی نیست، بلکه ابتدا باید از «باب» و «لباب» قرآن، یعنی حزب مفصل از سوره‌ی ناس آغاز و به سوره‌ی بقره ختم کرد و وقتی قرآن آموخته به سوره‌ی بقره رسید، می‌تواند از ترتیب اول به آخر نیز در حوزه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی بهره‌مند شود (لسانی فشارکی، ۱۳۹۹: ۳-۱۷).

در عهد رسالت پیامبر اکرم به دست‌نوشته‌های قرآنی کامل یا ناقص هر یک از صحابه، نیز «مصحف» گفته می‌شد. محمود رامیار (د ۱۳۶۳ش) دست‌کم از چهارده صحابی (رامیار، ۱۳۶۲: ۳۳۴) و سید جعفر مرتضی‌عاملی (د ۱۳۹۸ش) از ۲۴ صحابی (عاملی، بی‌تا: ۹۰) نام می‌برند که در زمان پیامبر اکرم صاحب مصحف بوده‌اند.

بر پایه‌ی برخی اقوال، مصحف برخی صحابه، از جمله مصحف ابن مسعود و ابی بن کعب، نظم و ترتیب دیگری داشته‌اند که با توجه به ترتیب‌های متضادی که برای آن دو مصحف ذکر کرده‌اند (ر.ک: ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۴۳-۴۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۷: ۹۲/۲-۹۳؛ شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸/۱-۱۳۹؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۰۱/۱-۲۰۳؛ رامیار، ۱۳۶۲: ۳۴۰-۳۷۳، ۶۶۲-۶۹۹)، به نظر می‌رسد ترتیب‌های گفته شده براساس حدس و گمان، ساخته و پرداخته شده‌اند؛ چنانکه ابن ندیم (د ۳۸۰ق) پس از گزارش ترتیب سوره‌ها در مصحف ابن مسعود، براساس گفته‌ی ابوالعبّاس فضل بن شاذان رازی (د. حدود ۲۹۰ق)، می‌گوید: «من مصحف‌های متعددی دیدم که کاتبان آن‌ها مدعی بودند مصحف ابن مسعود را استنساخ کرده‌اند، ولی حتی دو مصحف با هم یکنواخت و یکسان نبودند و بیشتر آن‌ها بر پوست‌هایی که چندین بار بر روی آن‌ها نوشته بودند، نگارش شده بود» (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۴۴).

براساس گزارش شیخ محمد بن هیصم (د ۴۰۹ق)، برخی شیادان، دنیاطلبان و

زوجیت سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی زوج سوره کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۱۸۳

درباریان، نسخه‌هایی بی‌اساس را با نام مصحف علی (ع)، اُبی و ابن مسعود بر ساخته، آن را نزد امیران و حاکمان می‌بردند و وانمود می‌کردند که خزانه‌ی کتاب‌های امیر نباید از چنین مصاحفی خالی باشد (ابن بسطام طحیری، ۱۹۵۴: ۴۷-۴۸).

۲. توصیه به قرائت و تلاوت دو سوره با هم در تعالیم رسول خدا ﷺ،

ائمه‌ی اهل بیت و صحابه

۲-۱. ناس و فلق

- فَقَالَ لَهُ جَبْرِيلُ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَفْضَلِ مَا تَعَوَّذَ بِهِ الْمُتَعَوِّذُونَ؟ قَالَ: يَا جَبْرِيلُ مَا هُوَ؟ قَالَ: الْمُعَوِّذَاتَانِ: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۹۳۵/۴)؛ جبرئیل به پیامبر گفت: آیا تو را به بهترین چیزی که پناه‌جویندگان به آن پناه می‌برند، خبر دهم؟ فرمود: آن چیست؟ جبرئیل گفت: معوذتان، «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس».

۲-۲. اخلاص و مسد

- عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي البطائني عن أبي عبدالله المؤمن عن ابن مسكان عن إسحاق بن عمار عن أبي عبدالله قال: «مَنْ مَضَتْ لَهُ جُمُعَةٌ وَ كَمْ يَقْرَأُ فِيهَا بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُمَّ مَاتَ مَاتَ عَلَى دِينِ أَبِي كَهَبٍ» (برقی، ۹۵/۱-۹۶)؛ هر کس جمعه‌ای بر او بگذرد و سوره‌ی «قل هو الله احد» را در آن مدت نخوانده باشد و بمیرد، بر دین ابولهب مرده است.

۲-۳. قریش و فیل

- عن المفضل بن صالح عن أبي عبدالله (ع) قال سمعته يقول: «لا تجمع بين سورتين في ركعة واحدة إلا... ألم تر كيف و لإيلاف قریش» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲۷/۱۰)؛ امام

صادق (ع) فرمود: دو سوره را با هم در یک رکعت جمع نکنید (نخوانید)، مگر... «الم تر کیف» و «لایلاف قریش».

- و بلغنی عن ابن عیینہ ی أنّه قال: «کان لنا إمام بالکوفه یقرأ الم تر کیف فعلاً ربک بأصحاب الفیل و لایلاف قریش و لا یفرق بینهما» (ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۲۳۴)؛ ابن عیینہ گوید: امام جماعتی در کوفه داشتیم که «الم تر کیف» و «لایلاف قریش» را با هم می خواند.

قرائت دو سوره با هم در نماز [های نافله] در سیره ی نبوی نیز گزارش شده که محدود به سوره های حزب مفصل است:

- حَدَّثَنَا الصَّلْتُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَقِيقٍ، قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ: أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقْرِنُ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ؟ قَالَتْ: لَا، إِلَّا مِنَ الْمُفْصَلِ (طیالسی، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۳-۱۳۸)؛ عبدالله بن شقیق از عایشه پرسید: آیا رسول خدا دو سوره را با هم می خواند؟ گفت: نه، مگر از [حزب] مفصل.

- أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةٍ ي قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا وَائِلٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ: إِنِّي قَرَأْتُ الْمُفْصَلَ اللَّيْلَةَ فِي رُكْعَةٍ. فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: هَذَا كَهَذَا الشَّعْرِ، لَقَدْ عَرَفْتُ النَّظَائِرَ الَّتِي كَانَتْ يَقْرُوهَا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ: فَذَكَرَ عَشْرِينَ سُورَةً مِنَ الْمُفْصَلِ، يَقْرِنُ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ (ابن جعد، ۱۴۱۰: ۳۷)؛ مردی به ابن مسعود گفت: من دیشب حزب مفصل را در یک رکعت خواندم. ابن مسعود به او گفت: مانند شعر آن را تند و سریع خوانده ای؛ همانا من نظایری را که رسول خدا آن ها را با هم می خواند می شناسم؛ از جمله به بیست سوره از حزب مفصل که دوتایی با هم خوانده می شوند، اشاره کرد.

۲-۴. انشراح و ضحی

- عن المفضل بن صالح عن أبي عبد الله (ع) قال سمعته يقول: «لا تجمع بين سورتين في ركعة واحدة إلا الضحى و ألم نشرح ...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۲۷)؛ امام صادق (ع) فرمود: دو سوره را با هم در یک رکعت جمع نکنید (نخوانید)، مگر ضحی و الم نشرح.

- عن الحسن عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال: «من أكثر قراءة ... و الضحى و ألم نشرح في يوم أو ليلة لم يبق شيء بحضرة إلا شهد له يوم القيامة حتى شعره و بشره و لحمه و دمه و عروقه و عصبه و عظامه ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۲۳)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر که سوره ی ... ضحی و انشراح را در روز یا شب بسیار تلاوت کند، چیزی پیرامون او نباشد جز آنکه در روز رستاخیز بر او گواهی دهد؛ حتی مو، پوست، گوشت، خون، رگ‌ها، اعصاب، استخوان‌ها و همه‌ی اعضا و جوارح او.

۲-۵. لیل و شمس

- عن الحسن عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال: «من أكثر قراءة و الشمس و و الیل إذا يغشى و ... في يوم أو ليلة لم يبق شيء بحضرة إلا شهد له يوم القيامة حتى شعره و بشره و لحمه و دمه و عروقه و عصبه و عظامه» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۲۳)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر که سوره ی شمس و لیل را در روز یا شب بسیار تلاوت کند، چیزی پیرامون او نباشد جز آنکه در روز رستاخیز بر او گواهی دهد؛ حتی مو، پوست، گوشت، خون، رگ‌ها، اعصاب و استخوان‌هایش.

۲-۶. غاشیه و اعلی

- محمد بن شجاع المروزی قال حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا بَكْرٍ بْنِ النَّضْرِ قَالَ كُنَّا بِالطَّفِّ عِنْدَ انْسِ فَصَلَّى بِهِمُ الظُّهْرَ فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ إِنِّي صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولُ

الله ﷻ صلاة الظهر فقرأ لنا بهاتين السورتين في الركعتين «سبح اسم ربك الأعلى» و «هل أتاك حديث الغاشية» (نسائي، ۱۳۴۸: ۱۶۴/۲)؛ انس گوید: در نماز ظهري كه با رسول الله ﷻ خواندم، ایشان دو سوره ی «سبح اسم ربك الأعلى» و «هل أتاك حديث الغاشية» را در دو ركعت خواندند.

- حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ شُعْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ سَالِمٍ، عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنِ النَّبِيِّ: «أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ، فَرُبَّمَا اجْتَمَعَ الْعِيدُ وَالْجُمُعَةُ، فَقَرَأَ بِهَاتَيْنِ السُّورَتَيْنِ» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۳۰/۳۳۶-۳۳۷)؛ نعمان بن بشير گوید: پیامبر (ص) در نماز جمعه، «سبح اسم ربك الاعلى» و «هل اتاك حديث الغاشيه» را می خواند، گاهی كه عيد [فطر يا قربان] با روز جمعه يكي می شد، اين دو سوره را می خواندند.

۲-۷. طارق و بروج

- حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ حَرْبٍ عَنِ جَابِرٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ، وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَنَحْوَهُمَا مِنَ السُّورِ» (ابوداود، ۲۱۳/۱)؛ رسول خدا ﷺ در نماز ظهر و عصر، سوره های «والسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ» و «والسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» و مانند این دو سوره را می خواند.

۲-۸. نبأ و مرسلات

- حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ إِسْرَائِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، وَالْأَسْوَدِ... فَقَالَ [ابن مسعود]: «لَكِنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ السُّورَتَيْنِ فِي رُكْعَةٍ، عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ وَالْمُرْسَلَاتِ فِي رُكْعَةٍ» (ابوداود، ۵۶/۲)؛ ابن مسعود گوید: پیامبر سوره های نظائر از جمله «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» و «وَالْمُرْسَلَاتِ» را در يك ركعت می خواند.

۲-۹. انسان و قیامت

- فَقَالَ [ابن مسعود]: «لَكِنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ السُّورَتَيْنِ فِي رُكْعَةٍ... هَلْ أَتَىٰ وَلَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي رُكْعَةٍ» (ابوداود، ۵۶/۲)؛ ابن مسعود گفت: پیامبر سوره‌های نظائر از جمله «هل أتى» و «لا أقسم بيوم القيامة» را در یک رکعت می‌خواند.

۲-۱۰. مدثر و مزمل

- فَقَالَ [ابن مسعود]: «لَكِنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ السُّورَتَيْنِ فِي رُكْعَةٍ... وَالْمُدَّثِّرَ وَالْمُزَّمِّلَ فِي رُكْعَةٍ» (ابوداود، ۵۶/۲)؛ ابن مسعود گوید: پیامبر سوره‌های نظائر از جمله مدثر و مزمل را در یک رکعت می‌خواند.

۲-۱۱. تحریم و نساء قصری^۱ (طلاق)

- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الطَّلَاقِ وَالتَّحْرِيمِ فِي فَرِيضَةٍ أَعَادَهُ اللَّهُ مِنْ أَنْ يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِمَّنْ يَخَافُ أَوْ يَحْزَنُ وَ عَوْفَى مِنَ النَّارِ وَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِتِلَاوَتِهِ إِيَّاهُمَا وَ مُحَافَظَتِهِ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهُمَا لِلنَّبِيِّ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۹)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر کس سوره ی طلاق و تحریم را در نمازهای واجب خود تلاوت کند، خداوند مانع از آن می‌شود که در روز قیامت از کسانی باشد که هراسناک و غمناک اند و از آتش دوزخ و آسیب آن در امان خواهد بود و خداوند او را به خاطر خواندن این دو سوره و مراقبتی که نسبت به آن‌ها داشته است، به بهشت می‌برد؛ چرا که این دو سوره، متعلق به پیامبر است.

۱. ابو عبید، فضائل القرآن، ۲۷۶؛ صنعانی، المصنّف، ۴۷۱/۶؛ سیّد بن طاووس، سعد السعود، ۲۳۷.

۲-۱۲. مجادله و حدید

- أحمد بن ادریس عن محمد بن حسان عن إسماعیل بن مهران عن حسن عن الحسين بن ابی العلاء عن ابی عبدالله (ع) قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْحَدِيدِ وَالْمُجَادَلَةَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَدْمَتْهُمَا لَمْ يُعَذِّبْهُ اللَّهُ حَتَّى يَمُوتَ أَبَدًا وَلَا يَرَى فِي نَفْسِهِ وَلَا فِي أَهْلِهِ سُوءًا أَبَدًا وَلَا خِصَاصَةً فِي بَدَنِهِ». (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۷)؛ امام صادق (ع) فرمود: «هر کس بر خواندن سوره ی حدید و مجادله در نماز واجب ادمان داشته باشد خداوند او را عذاب نمی‌کند و هیچ پیامد ناخوشایندی را در جان خود و خاندان خود نخواهد دید و عیب و خللی نیز در بدن او راه نیابد».

۲-۱۳. واقعه و رحمان

- رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا عَزَمْتَ عَلَى السَّفَرِ فَتَوَضَّأْ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ: الْأُولَى بِالْحَمْدِ وَ السُّورَةِ الرَّحْمَنِ وَ الثَّانِيَةَ بِالْحَمْدِ وَ سُورَةِ الْوَاقِعَةِ وَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۳/۷۳)؛ روایت شده است که امام باقر (ع) فرمود: وقتی عزم سفر کردی، وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان: رکعت اول حمد و رحمان و در رکعت دوم، حمد و واقعه.

۲-۱۴. طور و ذاریات

- فَقَالَ [ابْنُ مَسْعُودٍ]: «لَكِنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَقْرَأُ النَّظَائِرَ السُّورَتَيْنِ فِي رُكْعَةٍ... وَالطُّورَ وَالدَّارِيَاتِ فِي رُكْعَةٍ» (ابوداود، ۵۶/۲)؛ ابن مسعود گفت: پیامبر سوره‌های نظائر از جمله طور و ذاریات را در یک رکعت می‌خواند.

۲-۱۵. صافات و یاسین

- عن ابن عباس قال رسول الله ﷺ: «مَنْ قَرَأَ يَسَّ وَالصَّافَاتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أَعْطَاهُ سُؤْلَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۸۹)؛ هر کس در روز جمعه، سوره های یاسین و صافات را بخواند، سپس از خداوند چیزی بخواهد، خداوند حاجت او را برآورده می‌کند.

۲-۱۶. ملائکه (فاطر) و سبأ

- عن الحسن عن أحمد بن عائد عن ابن أبي أذينة عن أبي عبد الله (ع) قال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ [لِلْحَمْدَيْنِ] جَمِيعاً حَمْدِ سَبَأٍ وَ حَمْدِ فَاطِرٍ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَزَلْ فِي لَيْلَتِهِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ كِلَاءَتِهِ فَمَنْ قَرَأَهُمَا فِي نَهَارِهِ لَمْ يُصِبْهُ فِي نَهَارِهِ مَكْرُوهٌ وَ أُعْطِيَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ خَيْرِ الْآخِرَةِ مَا لَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبِهِ وَ لَمْ يَبْلُغْ مُنَاهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۱۰)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر کس دو سوره ی سبأ و فاطر را که با کلمه ی حمد آغاز می‌شوند، به هنگام شب تلاوت کند، تمام آن شب را در پناه و امان خداوندی به سر خواهد برد و چنانچه این دو سوره را در روز بخواند، در آن روز به هیچ چیز ناگوار و ناپسندی گرفتار نخواهد شد و آنقدر از خیر دنیا و آخرت به او عنایت می‌شود که هرگز بر دلش خطور نکرده و تصور آن را نمی‌کرده است.

۲-۱۷. ابراهیم و حجر

- عن الحسن عن أبي المغراء عن عنبسه بن مصعب عن أبي عبد الله (ع) قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَجَرَ فِي رُكْعَتَيْنِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَداً وَ لَأَ جُنُونٌ وَ لَأَ بَلْوَى» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۰۷)؛ امام صادق (ع) فرمودند: هر کس سوره های ابراهیم و حجر را در هر جمعه در رکعت های اول و دوم نماز بخواند، هرگز گرفتار تنگ دستی و دیوانگی و مصیبت نمی‌شود.

۲-۱۸. انفال و برائت

- ابي بن كعب عن النبي ﷺ، قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْاَنْفَالِ وَالْبَرَاةِ فَانَا شَفِيعٌ لَهُ وَ شَاهِدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اَنْهُ بَرِيءٌ مِنَ النِّفَاقِ، وَ اُعْطِيَ مِنَ الْاَجْرِ بَعْدَ كُلِّ مُنَافِقٍ وَ مُنَافِقَةٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ مُجِيَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ، وَ كَانَ الْعَرْشُ وَ حَمَلْتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ اَيَّامَ حَيَاتِهِ فِي الدُّنْيَا» (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۱۷/۲)؛ ابي بن كعب از پیامبر ﷺ نقل کرده است که هر کس سوره ی انفال و برائت را قرائت کند، پس من در روز قیامت شفیع و گواه او هستم؛ او از نفاق، پاک است و به عدد همهی مردان و زنان منافق در دنیا به او ده حسنه داده می شود و ده سیئه از او محو می گردد و ده درجه بالا می رود و عرش و حاملان آن، به تعداد روزهای زندگی او در دنیا، بر او درود می فرستند.

- محمد بن ابي قاسم عن محمد بن علي بن الكوفي عن اسماعيل ابن مهران عن الحسن بن علي عن ابيه عن ابي بصير عن ابي عبد الله (ع) قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْاَنْفَالِ وَ سُورَةَ بَرَاءَةِ فِي كُلِّ شَهْرٍ لَمْ يَدْخُلْهُ نِفَاقٌ اَبَدًا وَ كَانَ مِنْ شِيعَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۱۰۶)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر کس سوره ی انفال و برائت را در هر ماه بخواند، هرگز نفاق در او راه نیابد و از شیعیان امیرالمؤمنین به شمار آید (نیز نک: نوری، ۱۴۰۷: ۳۴۰/۴).

۲-۱۹. بقره و آل عمران

- يحيى بن ابي كثير عن زيد بن سلام عن ابي سلام عن ابي امامه ي قال رسول الله ﷺ: «قَرَأُوا الزُّهْرَ وَرَيْنَ الْبَقْرَةِ وَ سُورَةَ آلِ عِمْرَانَ» (حاکم، ۱۴۱۱: ۲۸۷/۲)؛ پیامبر اکرم فرمودند: دو [سوره] بسیار درخشنده و نورانی، یعنی بقره و آل عمران را بخوانید.

- محمد بن إدريس عن محمد بن أحمد بن محمد بن حسان عن إسماعيل بن مهران عن الحسن بن علي عن ابيه عن الحسين بن أبي العلاء عن ابي بصير عن ابي

زوجیت سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی زوج سوره کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۱۹۱

عبدالله (ع) قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَآلِ عِمْرَانَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُوْبًا عَلَيْهِ عَلَى رَأْسِهِ مِثْلَ الْعَمَامَتَيْنِ مِثْلَ الْعِيَابَتَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۰۴)؛ امام صادق (ع) می فرماید: هر که بقره و آل عمران بخواند، روز قیامت آن دو سوره همچون پاره ابر بر سرش سایه افکنند.

- قال رسول الله ﷺ: «تَعَلَّمُوا سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَآلِ عِمْرَانَ فَإِنَّ أَخَذَهُمَا بَرَكَةٌ وَتَرَكَهُمَا حَسْرَةٌ» (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري، ۱۴۱۹: ۶۰)؛ سوره ی بقره و آل عمران را یاد بگیرید چرا که یادگیری آنها برکت و ترک آنها مایه حسرت است.

جدول زوج سوره‌های قرآن کریم

ردیف	زوج سوره	ردیف	زوج سوره
۱	بقره و آل عمران (زَهْرَاوَيْنِ)	۱۲	نور و فرقان
۲	نساء و مائده	۱۳	شعراء و نمل
۳	انعام و اعراف (طَوَلَيْنِ) ^۱	۱۴	قَصَص و عنكبوت
۴	انفال و توبه (قَرَيْنَتَيْنِ) ^۲	۱۵	روم و لقمان
۵	یونس و هود	۱۶	سجده و احزاب
۶	یوسف و رعد	۱۷	سبأ و مائده / فاطر
۷	ابراهيم و حجر	۱۸	یاسین و صافات
۸	نحل و بنی اسرائیل / اسراء	۱۹	صاد و زمر
۹	کهف و مریم	۲۰	مؤمن / غافر و فصلت
۱۰	طاهها و انبیاء	۲۱	شوری و زخرف
۱۱	حجّ و مؤمنون	۲۲	دخان و جاثیه

۱. صنعانی، المصنّف، ۱۰۷/۲.

۲. ابن شُبّه، تاریخ المدینة المنورة، ۱۰۱۶/۳.

ردیف	زوج سوره	ردیف	زوج سوره
۲۳	احقاف و قتال / محمد	۴۰	تکویر و انفطار
۲۴	فتح و حجرات	۴۱	مطففین و انشقاق
۲۵	ذاریات و طور	۴۲	بروج و طارق
۲۶	نجم و قمر	۴۳	اعلیٰ و غاشیه
۲۷	رحمان و واقعه	۴۴	فجر و بلد
۲۸	حدید و مجادله	۴۵	شمس و لیل
۲۹	حشر و ممتحنه	۴۶	ضحیٰ و انشراح
۳۰	صف و جمعه	۴۷	تین و علق
۳۱	منافقون و تغابن	۴۸	قدر و بیّنه
۳۲	نساء قصری / طلاق و تحریم	۴۹	زلزال و عادیات
۳۳	ملک و قلم	۵۰	قارعه و تکاثر
۳۴	حاقّه و معارج	۵۱	عصر و همزه
۳۵	نوح و جنّ	۵۲	فیل و قریش
۳۶	مدثر و مزمل	۵۳	ماعون و کوثر
۳۷	قیامت و انسان	۵۴	کافرون و نصر
۳۸	مرسلات و نبأ	۵۵	تبتّ / مسد و اخلاص
۳۹	نازعات و عبس	۵۶	فلق و ناس (مُعَوِّذَتَيْن)

سوره‌ی قاف در ابتدای حزب مفضّل و حمد در آغاز مصحف شریف، زوج ندارند.

۳. زوج سوره‌ی کوثر و ماعون

برای روشن شدن جایگاه زوجیت سوره‌ها در شناخت بهتر سوره‌های قرآن برای نمونه مضامین زوج سوره‌ی کوثر و ماعون مورد تحلیل قرار گرفته است. ابتدا به ساختار اجمالی هر یک از دو سوره اشاره می‌شود.

۳-۱. سوره‌شناسی سوره کوثر

سوره ی کوثر یکصدو هشتمین سوره در ترتیب مصحف شریف است. ابتدا این سوره ی مکّی را سوره ی «أنا اعطیناک الکوثر» می‌نامیدند، ولی چون کلمه ی «کوثر» یک‌بار در قرآن و تنها در آیه ی نخست همین سوره به کار رفته است، نام «کوثر» بر آن ماندگار شد. به‌رغم آنکه سوره ی کوثر با ۳ آیه و ۱۴ کلمه کوتاه‌ترین سوره ی قرآن مجید است، ولی مانند دیگر سوره‌های کوتاه آخر حزب مفصل از نظر معنا و محتوا بسیار مفصل و گسترده است که در کلماتی محدود فشرده شده است. از این رو، درک مفاهیم و معارف عمیق و اساسی آن نیاز به تلاوت و تدبّر دقیق و فزون‌تری دارد.

بر پایه ی بخشی از روایات سبب نزول، گفته‌اند سوره ی کوثر در پی فوت عبدالله (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۸۸۰/۴) یا قاسم فرزند پیامبر اکرم و سرزنش عاص بن وائل نازل شد (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۲۴۵)، ولی دقت در متن دیگر اخبار، حاکی از آن است که سرزنش‌گر فقط عاص بن وائل و موضوع سرزنش نیز فقط نداشتن فرزند پسر نبوده است (همو، ۲۷۲؛ فرّاء، ۲۹۶/۳؛ ابن قتیبّه، ۱۴۱۱: ۴۷۴)، بلکه با در نظر گرفتن سال‌های آغازین بعثت و فشار و سخت‌گیری مشرکان قریش، آنان رسالت و نبوت پیامبر را ابتر و کوشش‌های خالصانه ی ایشان را بی‌نتیجه می‌پنداشتند و با هجمه‌ها و سوسه‌های پیدا و پنهان خود درصدد بودند، روحیه ی مقاوم رسول خدا را درهم بشکنند و اندک بودن یاران و پیروان آن‌حضرت را به رخ ایشان بکشند (نک: قلم، ۵۱؛

۱. «وقال آخرون: بل عنی بذلک: عُقْبَةُ بنِ أَبِي مُعَيْطٍ... وقال آخرون: بل عنی بذلک جماعة من قریش... عن عكرمة: لما أوحى إلى النبي قالت قریش: بئير محمد منّا، فنزلت: «إِنَّ شَأْنَكُمْ هُوَ الْأَبْتَرُ» قال: الذي رماك بالبتير هو الأبتير... أتى [كعب بن الأشرف، شاعر و از سران ثروتمند يهود مدینه] مكة فقال لها أهلها: نحن خير أم هذا الصنوبر المنبتير من قومه ونحن أهل الحجيج، وعندنا منحر البدن، قال: أئتم خير... نزل في الذين قالوا للنبي ما قالوا: «إِنَّ شَأْنَكُمْ هُوَ الْأَبْتَرُ» (طبري، ۱۴۱۲: ۲۱۳/۳).

ملک، ۲۷؛ فرقان، ۴۱) و گمان می‌بردند با رحلت پیامبر، یاد و نام مبارک او و رسالت و قرآن و نبوتش همه از یادها خواهد رفت (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰/۶۲۷-۶۲۹). غافل از آنکه پیامبر اکرم مجهز به «فضل عظیم» («و کان فضل الله علیک عظیماً» (نساء، ۱۱۳) و «کوثر»، خیر کثیری است (مجاهد، ۱۴۱۰: ۷۵۷) که مصداق‌های غیرقابل شمارشی (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰/۶۲۷) همچون اسلام، نبوت، قرآن (هناد بن سری، ۱۴۰۶: ۱۱۳/۱)، حکمت^۱، خیر دنیا و آخرت (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۰۸)، کثرت ذریه‌ی از طریق حضرت زهرا (س) دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۷۱-۳۷۰). فرزندان بی‌شمار روحی پیامبر که برای هدایت و نجات خلق به هر سوی عالم رفتند و منشأ فیض و هدایت مردمان در هر زمان گردیدند و گفتار، رفتار، روش و خلق عظیم پیامبر اکرم که برای همیشه سرچشمه‌ی ایمان و معرفت و حکمت و طریق زندگی است نیز، از مظاهر کوثرند (طالقانی، ج ۳ و ۴، ص ۲۷۷-۲۷۸).

رسول خدا قدردان این نعمت والا و کوثر عظیم است و برای ترویج و تثبیت و تبیین قرآن و ایمان و پیوند مردم با خدا و قرآن از هیچ کوششی دریغ ندارد و هر آنچه را دارد، در این راه مهم قربانی کرده و می‌کند: «لعلک باخع نفسک أَلَا یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ» (شعراء، ۳). بنابراین اگر کسانی بخواهند در مقابل او و خیر کثیری که به ایشان ارزانی شده است، بایستند قطعاً و حتماً ابر خواهد شد و تلاش آنان ناکام و بی‌اثر و محو و نابود می‌گردد و نام و کارنامه‌ی زندگی‌شان جز به بدی و خواری یاد نخواهد شد.^۲ در مقابل، کسانی که خیرخواه باشند و به منبع سرشار و فزاینده‌ای که

۱. «وَمَنْ يُؤْتِ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا کَثِیرًا» (بقره، ۲۶۹).

۲. ابر به این معانی به کار رفته است: بی‌نسل، بی‌دنباله، حقیر، سست، ضعیف، کوچک، ذلیل، ناچیز، جزئی، بی‌اهمیت، خرد، شکننده، نیازمند، فقیر، ناگوار، شرمگین (صنعانی، ۳/۴۳۷). بی‌نام و نشان، ناپایدار، کسی که به خوبی و خوشی از او یاد نشود و ذکر خیر و - به تعبیر قرآن - لسان صدقی از او بر زبان دیگران جاری نگردد: وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَکُلًّا جَعَلْنَا نَبِیًّا . وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِیًّا (مریم، ۴۹-۵۰).

خداوند در درون یکایک آن‌ها قرار داده است توجّه لازم را داشته باشند، کوشش‌های آنان به ثمر خواهد نشست و این سوره زمینه‌ی رشد و تعالی و تکثیر و توسعه و ادامه و استمرار آنان را برای همیشه فراهم خواهد ساخت (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۸: ۱۵۳-۱۵۴). پیامبر اکرم فرموده‌اند: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۰؛ بزار، ۲۰۰۹: ۱۶/۲۲۲)؛ مردم مانند معدن‌های طلا و نقره‌اند. در شعری منسوب به امام علی (ع) نیز آمده است: «وَتَرَعُمُ أَنْكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِیكَ انطوى العالمُ الاكبر»؛ و گمان می‌کنی که جرمی کوچک هستی؟ در حالی که در تو جهانی بزرگ قرار دارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۹۲).

۳-۲. سوره‌شناسی سوره‌ی ماعون

سوره‌ی ماعون با هفت آیه در جایگاه یکصد و هفتمین سوره‌ی قرآن در ترتیب مصحف شریف (ترتیب تلاوت) قرار گرفته است. از دیرباز این سوره به سوره‌ی «ارایت الذی» و سوره‌ی «دین» شناخته می‌شده است، ولی از آنجا که کلمه‌ی «ماعون» یک‌بار و تنها در این سوره به کار رفته است، نام سوره به «ماعون» شهرت یافته است.

برخی با توجّه به آیه‌ی چهارم: «فویلٌ للمصلّین» و تفسیر آن به «منافقان» که بنا به قول مشهور در مدینه شکل گرفته، سوره‌ی ماعون را به دو نیمه تقسیم کرده‌اند؛ نیمه‌ی نخست سوره، آیات ۱ تا ۳ را مکی و نیمه‌ی دوم، آیات ۴ تا ۷ را مدنی پنداشته‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰/۶۲۲). در حالی که سوره‌ی ماعون، سوره‌ای یکپارچه و در یک مرتبه وحی در مکه نازل شده است و حرف «ف» در «فویلٌ للمصلّین» حاکی از ارتباط وثیق این دو بخش سوره است (طالقانی، ۱۳۶۲: ۴/۲۷۳). همچنین قریشیان، نخستین مخاطبان قرآن در مکه، خود را دیندار و اهل صلات می‌دانستند: «وما كان صلاتهم عند البيت آلا مكاءً وتصديّةً» (انفال، ۳۵).

بنابراین و بر اساس اصل فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن، محور موضوعی سوره ی ماعون به تعبیر علامه ی طباطبائی: «تهدید کسانی است که خود را دیندار معرفی کرده‌اند، ولی متخلّق به اخلاق منافقین‌اند؛ از قبیل غفلت از نماز، و ریا کردن در اعمال و منع ماعون که هیچ یک از این‌ها با ایمان به روز جزا سازگاری ندارد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶۷/۲۰). بنابراین، سوره در صدد آسیب‌شناسی دینداری و جامعه ی دینداران است. یعنی اگر در جامعه ی دینی، دینداران نسبت به حلّ مشکلات یتیمان، مسکینان، بیماران، درراه‌ماندگان و به طور کلی نیازمندان توجّه و رغبتی نداشته باشند، آن جامعه در تراز قرآن و اسلام نیست. خداوند این دسته از دینداران را «مکذّبان دین» معرفی می‌کند که عملاً بر خلاف روح و فلسفه ی تشریح دین رفتار می‌کنند. اینان اگر احیاناً در برخی مناسک دین مانند نماز جماعت شرکت می‌کنند، آن را برای نمایش و ریا انجام می‌دهند تا خود را دیندار جلوه دهند، ولی قرآن با افشاگری بی‌سابقه‌ای آنان را حریص‌ترین و بخیل‌ترین افراد جامعه می‌شناساند که مانع جوشش رحمت درونی‌شان و رسیدن خیر و نیکی به مردم و جامعه هستند و «مطلق منابع فیاض طبیعت» و سرمایه‌های عمومی و خداداد را در پوشش دین و دینداری برای خود می‌خواهند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۷۴/۴).

۳-۳. هم‌افزایی زوج سوره ی کوثر و ماعون

سوره ی ماعون و کوثر زوج یکدیگرند و ارتباط معنایی فزاینده‌ای با یکدیگر دارند و هر یک شرح و بسط دیگری به شمار می‌آید (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰۷/۳۲). در یک تصویر کلی، سوره ی کوثر نمایان‌گر پیامبر اکرم و فرزندان سببی و نسبی ایشان و پدیده‌ها و مظاهر نبوت و رسالت اویند که همانند نهری جوشان و خروشان، افزاینده و

سازنده و بالابرنده و گسترش‌یابنده‌اند و همگان را بدون هیچ گونه منت و آزاری از خیر و برکت فزاینده‌ی خویش برخوردار می‌کنند و مشکلات و مسائل آنان را در پرتو خداشناسی و خداپرستی و اخلاص در بندگی برطرف و مسیر رشد و کمال و سعادت و سلامت آنان را هموار می‌سازند تا همه‌ی انسان‌ها استعداد‌های نهفته، سرشار و پایان‌ناپذیر خویش را بیابند و شکوفا کنند و به منصفی ظهور برسانند. در مقابل این حقیقت، همواره بدخواهان و مکذبان‌ی وجود دارند که کوتاه‌بینانه و خودخواهانه، ریاکارانه و منافقانه خودشان و دیگران را از اتصال حقیقی و خالصانه به خدا و رسول خدا و قرآن دور نگه می‌دارند و با سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی بر مشکلات و رنج‌های مردم می‌افزایند تا مردمان در بی‌خبری و غفلت و فقر و مسکنت باقی بمانند و هیچ‌گاه نتوانند چهره‌ی حقیقی دین و زلال کوثر عطاشده‌ی به پیامبر و خودشان را ببینند.

سوره‌ی ماعون		سوره‌ی کوثر	
شانی‌ها در پی تکذیب دین که کوثر و عطیه‌ی الهی است، هستند.	ا رأیت الذی یکذب بالذین	دین و قرآن از مصادیق کوثر به شمار آمده‌اند.	انا اعطیناک الکوثر
شرک در دینداری با ریا و نمایش و انجام مناسکی از دین در زمان و مکانی که مردم آن را ببینند.	فویل للمصلین... الذین هم یراءون	-اخلاص در دین و بندگی -اصالت کیفیت بر کمیت	فصل لربک
مکذبان دین - که برخی از آنان نمازگزار هم هستند - نسبت به یتیمان و مسکینان و ... هیچ توجهی ندارند و	فذلک الذی یدع الیتیم . و لا یحض علی طعام المسکین... ویمنعون الماعون	در راه خدا قربانی کن که مصادیقی از زکات و توجه به رفع مشکلات نیازمندان است (لزوم بیوستگی نماز	وانحر

سوره‌ی ماعون		سوره‌ی کوثر	
امکانات زندگی را از آنان دریغ می‌کنند (اهل زکات نیستند).		و زکات که در آیات فراوانی با هم آمده‌اند.	
سوره‌ی کوثر و ماعون مانند همه‌ی قرآن در صحنه‌ی کربلا از نو تلاوت و تفسیر شد و انحراف‌ها روشن گردید. لشکر عمر سعد و بنی امیه مصداق آن روز «فویل للمصلین» بودند که نسبت به یتیمان و مسکینان و محرومان دغدغه‌ای نداشتند و ماعون‌ها را از آنان دریغ می‌کردند و اجازه‌ی دسترسی به آن‌ها را نمی‌دادند.		«وانحر» بیان‌گر استقامت و پایداری در راه حفظ دین و استمرار آن است؛ ^۱ چنان‌که امام حسین (ع) و اهل بیت پیامبر و یاران صدیق آن حضرت پس از پنجاه سال برای احیای کوثر عطیه شده به رسول خدا قربانی شدند.	
دیندارنماهایی هستند که دین و نماز فقط لقلقله‌ی زبان آن‌هاست و تا زمانی دیندارند که منافع آن‌ها حفظ شود؛ گرچه یتیمان و مسکینان جامعه به فلاکت و هلاکت برسند.		نمازگزار وقتی نمازی حقیقی و خالصانه دارد که نسبت به مشکلات و مسائل پیرامون خود حساس باشد و برای رفع آن مشکلات، آگاهانه، مسئولانه و مخلصانه در حدّ توان خود اقدام کند.	

۱. در معنای «انحر» آمده است: «وظایف را به شایستگی و برای رضای خدا انجام بده. سینه‌ات را جلو آر. دو دستت را هنگام گفتن تکبیرهای نماز به‌ویژه تکبیرة الاحرام بالا بیاور؛ به طوری که کف دو دست رو به قبله باشد. راست و مستقیم بایست» (شعرانی، ۱۳۹۸).

سوره‌ی ماعون		سوره‌ی کوثر	
<p>بدخواهان پیامبر و کسانی که کوثر هدیه شده به ایشان را برنتابیدند، به دروغ و منافقانه خود را دیندار جلوه داده بودند و با تعصب و حمیت از دین و آیین آباء و اجدادی مردم حمایت و پشتیبانی می‌کردند.</p>	<p>ارأیت الذی یکذب بالذین ... فویلٌ للمصلین</p>	<p>بدخواهان به دنبال آن هستند که ارتباط و پیوند درست مردم را با خدا و بندگان خدا قطع کنند و آن را بی‌اثر یا کم‌اثر کنند تا کوثر عطاشده به ایشان هیچ‌گاه شکوفا نگردد و در مرأی^۱ و منظر مردم قرار نگیرد.</p>	<p>آن شائشک هو الایتر</p>
<p>بدخواهان (شائشها) کسانی هستند که در راه اقامه‌ی دین سنگ‌اندازی می‌کنند و ارتباط خود را با مردم بینوا به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که در چشم آن‌ها انسان‌هایی خیرخواه و خداخواه جلوه کنند، ولی در باطن سرمایه‌های عمومی جامعه را که متعلق به همگان، به ویژه نیازمندان و بینوایان است، به یغما می‌برند و مانع دسترسی آن‌ها به امکانات زندگی شایسته و بایسته می‌شوند.</p>		<p>فقر و مسکنت و یتیمی نباید موجب ناامیدی و مراجعه به مکذبان دین باشد تا از طریق آن‌ها بخواهیم بر مشکلات غلبه کنیم؛ زیرا آنان شائش و دشمن خدا و بندگان خدایند. خدا به هر یک از انسان‌ها، کوثر (خیر) کثیر و استعداد فراوانی داده است که او را از مراجعه به این‌گونه مردمان بی‌نیاز می‌کند.</p>	

۴. سوره‌ی مجاور

افزون بر تأکید به تلاوت سوره‌ی زوج، به قرائت سوره‌ی مجاور نیز سفارش شده است از جمله:

- عَنْ الْحَسَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ عَبَسَ وَتَوَلَّى وَ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ كَانَ تَحْتَ جَنَاحِ اللَّهِ مِنَ الْجَنَانِ وَ فِي ظِلِّ اللَّهِ وَ كَرَامَتِهِ فِي جَنَانِهِ وَ لَا يَعْظُمُ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۲۱)؛ امام صادق (ع) فرمود: فردی که [بر قرائت] سوره‌ی عبس و تولى و سوره‌ی مجاور را تلاوت کند، خداوند او را در بهشت باشد و مداومت داشته باشد، در کف و حمایت خدا و سایه‌سار و کرامت او در بهشت باشد و این کار بر پروردگار گران و سخت نیست، اگر خدا خواهد.

- عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يُرْجِعُ بِهَاتَيْنِ السُّورَتَيْنِ فِي الْجُمُعَةِ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَإِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ» (صنعانی، ۱۴۰۳: ۱۸۰/۳)؛ ابوهریره گوید: شنیدم که پیامبر خدا در روز جمعه، دو سوره‌ی جمعه و منافقون را تکرار می‌کرد.

- عَنْ الْحَسَنِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْوَاجِبُ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِذَا كَانَ لَنَا شَيْعَةٌ أَنْ يَقْرَأَ ... فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا يَعْمَلُ كَعَمَلِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ جَزَاؤُهُ وَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۱۱۸)؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: بر هر مؤمنی که پیرو ماست، لازم است که در نماز ظهر جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین را بخواند. پس هرگاه این را انجام داد، گویا شبیه عمل رسول خدا را انجام داده است و پاداش او بر خداوند، بهشت است.

- عن الحسن عن أبيه عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) قال: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْعَنْكَبُوتِ وَالرُّومِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ ثَلَاثَةِ وَعِشْرِينَ، فَهُوَ وَاللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۰۹)؛ امام صادق (ع) فرمود: هر کس سوره‌ی عنکبوت و روم را در شب بیست و سوم ماه رمضان تلاوت کند، به خدا سوگند که اهل بهشت است. بنابراین در سوره‌شناسی، پس از توجه به سوره‌ی زوج سوره‌ی مورد نظر، برای اینکه سوره‌ی مورد نظرمان را بیش از پیش بشناسیم، شایسته است سوره‌ی مجاور یا همسایه‌ی آن را نیز لحاظ کنیم.

فهرست سوره‌های مجاور (همسایه) به ترتیب آخر به اول قرآن (ترتیب آموزشی قرآن) به این شرح است: فلق و اخلاص، تبت و نصر، کافرون و کوثر، ماعون و قریش، فیل و همزه، عصر و تکاثر، قارعه و عادیات، زلزال و بینه، قدر و علق، تین و انشراح، ضحی و لیل، شمس و بلد، فجر و غاشیه، اعلیٰ و طارق، بروج و انشقاق، مطففین و انفطار، تکویر و اعمیٰ، نازعات و نبأ، مرسلات و انسان، قیامت و مدثر، مزمل و جن، نوح و معارج، حاقه و قلم، ملک و تحریم، نساء قُصْرٰی و تغابن، منافقون و جمعه، صف و ممتحنه، حشر و مجادله، حدید و واقعه، رحمان و قمر، نجم و طور، ذاریات و قاف، قاف و حجرات، فتح و قتال، احقاف و جائیه، دخان و زخرف، شورا و فصلت، مؤمن و زمر، صاد و صافات، یاسین و ملائکه، سبأ و احزاب، سجده و لقمان، روم و عنکبوت، قصص و نمل، شعراء و فرقان، نور و مؤمنون، حج و انبیاء، طها و مریم، کهف و اسراء، نحل و حجر، ابراهیم و رعد، یوسف و هود، یونس و توبه، انفال و اعراف، انعام و مائده، نساء و آل عمران.

سوره‌ی بقره در آغاز مصحف شریف و سوره‌ی ناس در پایان مصحف، سوره‌ی «مجاور» (در اصطلاح سوره‌شناسی) ندارند. سوره‌ی قاف تنها سوره در قرآن کریم

است که به رغم نداشتن سوره‌ی زوج (در اصطلاح سوره‌شناسی) دارای دو سوره‌ی مجاور است: سوره‌ی ذاریات و سوره‌ی حجرات (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۵).

۴-۱. رابطه‌ی سوره‌ی کوثر با کافرون

نگاهی به سوره‌ی کافرون به عنوان سوره‌ی مجاور سوره‌ی کوثر نشان می‌دهد که شانی‌ها و بدخواهان پیامبر اکرم در وهله‌ی اول کافرانند و در مرحله‌ی بعدی منافقان و مکذبان دین. این دو گروه همواره برای توطئه علیه دین و دینداران حقیقی هم‌پیمان می‌شوند و آرزو دارند که رسالت پیامبر اکرم و دین خدا ابتر و ناکارآمد و ضعیف و حقیر بماند. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (تحریم، ۹)؛ «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ» (نساء، ۱۳۹).

سوره‌ی کوثر بیان‌گر کیفیت عبادت رسول خدا و مسلمانان حقیقی است و اینکه چه فرقی‌هایی با شیوه‌ی عبادت و سبک زندگی کافران دارد؛ چنانکه «فصل لربك وانحر» مفسر «لا اعبد ما تعبدون. ولا انتم عابدون ما اعبد. ولا انا عابد ما عبدتم» است. بنابراین، اگر مسلمانان مرزهای اعتقادی و رفتاری خود را از کافران متمایز نکنند و بر حفظ و پاسداشت آن‌ها تأکید نوزند، همانند کافران، «ابتر» خواهند شد.

۴-۲. رابطه‌ی سوره‌ی ماعون با قریش

در سوره‌ی قریش مجاور سوره‌ی ماعون، [مشرکان] قریش مصداق نخستین مکذبانان معرفی می‌شوند که روزگاری در مکه امنیت و غذای کافی نداشتند (نیز ر.ک: عنكبوت، ۶۷؛ انفال، ۲۶)، ولی در پرتو عنایت و هدایت «ربّ البيت» و میلاد خاتم پیامبران از

گرسنگی و وحشت نجات یافتند: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ. الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش، ۳-۴). اما قریشیان پس از دست‌یابی به امنیت و برخورداری از تجارت تابستانه و زمستانه که موجب رونق زندگی و کسب و کار آنان شد (ایلافهم رحلۃ الشتاء و الصیف)، نه تنها در مقام شکرگزاری و عبودیت خدا بر نیامدند، بلکه در قالب پرده‌داری و خادمی بیت الله الحرام بیش از پیش با تزویر و ریا خود را دیندار جلوه می‌دادند و با این پوشش به یتیمان و افراد بی‌کس و کار انواع ظلم‌ها و ستم‌ها را روا می‌داشتند. معلّم مشرکان قریش در همه‌ی این رویه‌های غلط فرهنگی، کافران از اهل کتاب (یهودیان یثرب / مدینه) بودند (بینه، ۱؛ یاسین، ۴۷؛ مائده، ۸۲؛ بقره، ۹۶).

بنابراین، رفتار منافقان و مزوران را باید با بصیرت و دقت، یک‌به‌یک شناسایی و فعالیتشان را رصد کرد (ارأیت الذی یکذب بالذین) تا نتوانند به نام دین و در پوشش و ظواهر دینداری به اهداف پلید خود دست یازند (فویل للمصلّین) و ماعون‌ها را در اختیار بگیرند و مردم را به مسکنت و فقر و بیچارگی بکشانند.

ارتباط سوره‌ها در قالب موضوعات مشترک مطروحه در هر سوره نیز، قابل ردیابی و تفصیل است؛ مثلاً در واحد موضوعی دوم سوره‌ی منافقون (آیات ۹ تا ۱۱) که می‌توان آن را مبین سوره‌ی کوثر دید (مقایسه کنید آیات ۹ و ۱۰ منافقون را با آیات ۱ و ۲ کوثر)، مؤمنان به ذکر الله و انفاق دعوت می‌شوند تا منافق نگردند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ... وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (منافقون، ۹-۱۰). همچنین می‌توان واحد موضوعی نخست سوره‌ی منافقون (آیات ۱ تا ۸) را تفصیل سوره‌ی ماعون دانست (مقایسه کنید آیات ۱، ۶ و ۷ ماعون را به ترتیب با آیات ۱، ۲ و ۷ منافقون).

نتیجه

بر اساس تعالیم پیامبر اکرم و ائمه‌ی طاهرین (ع)، سوره‌های قرآن دوبه‌دو، زوج یکدیگرند و مانند دو آینه‌ی موازی عمل می‌کنند و تصاویر بسیاری از مضامین دو سوره را به نمایش می‌گذارند و یکدیگر را تفسیر و تبیین می‌کنند. حمد به عنوان امّ-الکتاب و سوره‌ی قاف در ابتدای حزب مفصل، زوج ندارند. افزون بر زوج سوره، سوره‌ی مجاور نیز در فهم هر سوره از قرآن بسیار مؤثر است. در زوج سوره‌ی کوثر و ماعون، می‌توان رفتار متفاوت دو گروه با دین و مردم را به نظاره نشست: گروهی با شکرگزاری به درگاه خداوند از کوثر عطا شده به نحو احسن بهره‌مند می‌شوند و همراه با نماز که نشانه‌ی ارتباط و پیوند با خدای یکتاست، برای رفع نیازمندی‌ها و مشکلات مردم و برخوردار کردن یتیمان و مسکینان و محرومان و درراه‌ماندگان از مواهب زندگی اقدام می‌کنند و برای حفظ دین خدا و ایمان خویش تا پای جان ایستادگی می‌کنند تا بدخواهان نتوانند یاد و نام خدا و سیره‌ی پیامبر خدا را از اذهان و متن زندگی مردم حذف کنند. در مقابل، عده‌ای با ریا و نمایش خود را دیندار و نمازخوان جا می‌زنند تا بتوانند در پوشش مناسک دینی، مردم به ویژه یتیمان و مسکینان را از دسترسی به ماعون‌ها بازدارند و به این ترتیب عملاً دین را تکذیب می‌کنند و در مسیر اجرای آموزه‌های دین در جامعه سنگ اندازی می‌نمایند.

کتابنامه

قرآن کریم، خط حبیب‌الله فضائلی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش ۱۳۷۲ش.
ابن إسحاق، محمد (۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م). سیره (کتاب السیر والمغازی)، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دار الفکر.

زوجيت سورہهای قرآن کریم؛ مطالعة موردی زوج سورہ کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۲۰۵

- ابن بابويه، محمد بن علي (١٤٠٦ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشريف الرضي للنشر.
- ابن بابويه، محمد بن علي (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي ابر غفاري، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمية قم.
- ابن جعد، علي (١٤١٠ق/١٩٩٠م). مسند، تحقيق: عامر أحمد حيدر، بيروت: مؤسسة نادر.
- ابن ابي عاصم، ابوبكر (١٤١١ق/١٩٩١م). الأحاد و المثاني، تحقيق: فيصل احمد الجوابره، دار الدرايه.
- ابن بسطام طحيري، حامد بن احمد (١٩٥٤م). المباني لنظم المعاني، تصحيح: آرتور جفري، مندرج در كتاب: مقدّمتان في علوم القرآن، مكتبة الخانجي.
- ابن جزري، محمد بن محمد (بي تا). نشر القراءات العشر، تحقيق: علي محمد الضباع، المطبعة التجارية الكبرى.
- ابن سعد، محمد (١٤١٠ق/١٩٩٠م). الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطاء، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن شيبه، عمر (بي تا). تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهم محمد شلتوت.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (١٤٢٣ق). تأويل مشكل القرآن، محقق: ابراهيم شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (١٤١١ق). تفسير غريب القرآن، شارح: ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- ابن نديم، محمد بن اسحاق (١٤١٧ق/١٩٩٧م). الفهرست، تحقيق: ابراهيم رمضان، بيروت: دار المعرفة.
- ابن وهب، عبدالله (٢٠٠٣م). الجامع، برواية سخنون بن سعيد (٢٤٠دق)، تحقيق: ميكيلوش موراني، بيروت: دار الغرب الاسلامي.
- ابن هشام، عبدالملك (١٤١٦ق/١٩٩٦م). السيرة النبوية، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي.
- ابوداود، سليمان بن اشعث (بي تا). سنن، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، صيدا - بيروت، المكتبة العصرية.

ابو عبید قاسم بن سلّام (بی تا). فضائل القرآن، تحقیق مروان العطیه، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر.

احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق). مسند، تحقیق: شعیب الأرئوط، عادل مرشد و آخرون، مؤسسة الرساله. برقی، احمد بن محمد بن خالد (بی تا). المحاسن، تحقیق: سیّد جلال الدین حسینی، دارالکتب الاسلامیه. بزار، احمد بن عمرو (۲۰۰۹م). مسند البزار (البحر الزخار)، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، عادل بن سعد و صبری عبدالخالق، مدینه منوره: مكتبة العلوم و الحكم. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م). سنن (الجامع الكبير)، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

تفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۴۳۴ق). سنن مسند، تحقیق: نبیل هاشم الغمری، بیروت: دار البشائر. رامیار، محمود (۱۳۶۲ش). تاریخ قرآن، تهران: چاپخانه سیهر.

رجبی قدسی، محسن (۱۳۹۸ش). تاریخ کتابت قرآن و قرائات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیّد بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۹ق). سعد السعود، نجف: الحیدریه.

سیّد مرتضی علم الهدی (۱۴۱۱ق). الذخیره فی علم الکلام، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر.

شبیبری، سیّد جواد (۱۳۸۸ش). «پیوست مقاله بررسی کوتاه از ستیزه‌های دیرین درباره عدم نقصان و زیادت قرآن»، مندرج در کتاب مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه، تهران: بصیرت.

شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۹۸ق). نثر طوی (دائرة المعارف لغات قرآن مجید)، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.

زوجیت سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی زوج سوره کوثر و ماعون / محسن رجبی قدسی ۲۰۷

شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). نهج‌البيان عن كشف معاني القرآن، تحقيق: حسين درگاهي، تهران: بنياد دائرة المعارف جهان اسلام.

صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳ق). المصنّف، تحقيق: حبيب الرحمن الاعظمي، بيروت: المكتب الإسلامي.

طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الكبير، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، قاهره: مكتبة ابن تيميه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع‌البيان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع‌البيان فی تفسیر القرآن، بيروت: دار المعرفة.

طیالسی، ابوداود (۱۴۱۹ق / ۱۹۹۹م). مسند، محقق: محمد بن عبد المحسن التركي، مصر: دار هجر.

عاملی، سید جعفر مرتضی (بی تا). حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

حویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین، قم.

فراء، یحیی بن زیاد (بی تا). معانی القرآن، تحقيق: احمد يوسف نجاتي، محمدعلی النجار و عبدالفتاح إسماعيل الشلبي، مصر: دار المصريه.

فخررازی (۱۴۲۰ق). مفاتيح‌الغيب، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافي، تصحيح: حسين اعلمي، تهران: مكتبة الصدر.

قتادة بن دعامة سدوسی (۱۴۰۹ق / ۱۹۸۸م). الناسخ و المنسوخ، تحقيق: حاتم صالح الضامن، بيروت: مؤسسة الرساله.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافي، تهران: دارالکتب الاسلاميه.

لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۹۹ش). تفسیر ترتیبی قرآن (دفتر اول: ناس تا قدر)، تهران: صدوچهارده.

لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی (۱۳۹۴ش). سوره‌شناسی: روش تحقیق

ساختاری در قرآن کریم، قم: نصابیح.

لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی (۱۳۹۸ش). مطالعات قرآنی در سیره نبوی، تهران: صدوچهارده.

ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تفسیر (تأویلات أهل السنة)، تحقیق: مجدی باسلوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مجاهد بن جبر (۱۴۱۰ق / ۱۹۸۹م). تفسیر، محقق: محمد عبدالسلام أبوالنیل، مصر: دار الفکر الإسلامی الحدیثة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لآخبار الائمة الاطهار، بیروت.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی. موسوی دارابی، سیدعلی (۱۳۹۳ش). نصوص فی علوم القرآن، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة. نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق / ۱۹۳۰م). سنن، بیروت: دار الفکر.

نوری طبرسی، میرزاحسین (۱۴۰۷ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لاحیا التراث.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م). المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: دار الأعلمی. هناد بن سرى (۱۴۰۶ق). الزهد، محقق: عبدالرحمن عبدالجبار الفریوائی، کویت: دار الخلفاء للکتاب الإسلامی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۷ش / ۱۴۲۹ق). تاریخ یعقوبی، تحقیق: خلیل المنصور، قم: دار الزهراء.

Bibliography

The Holy Qur'an, Original Arabic, handwriting: Ḥabībullā Fāzā'īlī, and also the persian translation by, Āyatī, Abd al-Muḥammad, Tehrān, Surūsh Publication, 1372SAH.

Ibn Ishāq, Muḥammad, Sīra(Kitāb Al-Siyar wa Al-Maghāzī),ed. Suhiyl Zkkār, Beirut: Dār Al-Fikr,1398SAH.

Ibn Bābwayh, Muḥammad b. 'Alī, Thawābula'māl wa 'Ighābula'māl, Qom: Dār Al-Sharīf Al-Raḥīmī linashr, 1406AH.

Ibn Bābwayh, Muḥammad b. 'Alī, Man lā Yaḥzuruhu Al-Faghīh, ed.'Alī Akbar Ghaffārī, Qom, Islamic Publication office related to Jāmi'i Mudarrisīn, 1413AH.

- Ibn Ja'd, 'Alī, Musnad, ed. 'Amir Aḥmad Ḥiydar, Beirut: Nādir Publication, 1410AH.
- Ibn Abī 'Aṣim, Abubakr, Al-Āḥād wa al-Mathānī, ed. Fiyṣal Aḥmad Al-Jawābira, Dār Al-Dirāya, 1411AH.
- Ibn Bastām, Tuḥiyrī, Ḥāmid b. Aḥmad, Al-Mabānī linaẓm Al-Ma'ānī, ed. Arthur Jeffery, inserted in Mughaddamatān fi 'Ulūm Al-Qur'an, Maktabat Al-Khānjī, 1954.
- Ibn Jazarī, Muḥammad b. Muḥammad, Al-Nashr fi Al-Ghirā'āt Al-'Ashr, ed. 'Ali Muḥammad Al-Ẓibāq, Al-Maṭba'at Al-Tijārīyat Al-Kubrā, no date.
- Ibn Sa'd, Muḥammad, Al-Ṭabaghāt Al-Kubrā, ed. Muḥammad 'Abdulghādir 'Aṭā, Beirut: Dār Al-Kutub Al-'Ilmīya, 1410AH.
- Ibn Shabbah, 'Umar, Tārīkh Al-Madīna Al-Munawwara, ed. Muḥammad Shaltūt, no date.
- Ibn Ghutayba, 'Abdullāh b. Muslim, Tawīl Mushkil Al-Qur'ān, ed. Ibrāhīm Samsuddīn, Beirut, Dār Al-Kutub Al-'Ilmīya, 1423AH.
- Ibn Ghutayba, 'Abdullāh b. Muslim, Tafsīr Qarīb Al-Quran, comment by: Ibrāhīm Muḥammad Ramizān, Beirut: Dār wa Maktabat Al-Hilāl, 1411AH.
- Ibn Nadīm, Muḥammad b. Ishāgh, Al-Fihrist, ed. Ibrāhīm Ramizān, Beirut: Dār Al-Ma'rifa, 1417 AH.
- Ibn Wahab, 'Abdullāh, Al-Jāmi', narration by Saḥnūn b. Sa'd, ed. Mīklūsh Maurānī, Beirut: Dār Al-Qarb Al-Islāmī, 2003.
- Ibn Hishām, 'Abdulmalik, Al-Sīra Al-Nbawīya, ed. 'Umar 'Abdussalām Tidmurī, Beirut: Dār Al-Kitāb Al-'Arabī, 1416AH.
- Abū Dawūd, Suliymān b. Ash'ath, Sunan, ed. Muḥammad Muḥyi 'Abdulḥamīd, Ṣiydā, Beirut, Al-Maktabat Al-'Aṣrīya, no date.
- Abu 'Ubayd Qāsim ibn Sallām, Fazā'il al-Qurān, Beirut, Dār Ibn Kathīr, no date.
- Aḥmad ibn Ḥanbal, Mūsnaḍ, ed. Shu'ayb Al-Arna'ūt, 'Adil Murshid and others, Beirut, Mūassesatol rīsāla, 1421 AH.
- Barghī, Aḥmad b. Muḥammad b. Khālid, Al-Maḥāsin, ed. Sayyid Jalāluddīn Ḥusitnī, Dār Al-Kutub Al-Islāmīya, no date.
- Bazār, Aḥmad b. 'Amr, Musnad Al-Bazār (Al-Baḥr Al-Zikhār), ed. Maḥfūz Al-Raḥmān ziynullāh, 'Adil b. Sa'd wa Ṣabrī 'AbdulKhāligh, Medina: Maktabat Al-'Ulūm wa al-Ḥikam.
- Tirmizī, Muḥammad b. 'Isā, Sunan (Al-Jami' Al-Kabīr), ed. Bashshār 'Awwād Ma'rūf, Beirut: Dār Al-Qarb Al-Islāmī, 1998.
- Tafsīr Al-Mansūb ilā Al-Imām Al-Ḥasan Al-'Askarī, Qom, Imam Mahdī(as) school publication, 1409AH.
- Ḥākīm Neyshābūrī, Muḥammad b. Abdulla, al-Mustadrak 'Alā Al-Ṣaḥīḥīn, ed. 'ĀbdulQādir 'Aṭā, Beirut, Dārul Kutub al-'Ilmiyyah, 1411 AH.

- Dārīmī, ‘Abdullāh, Sunan, ed. Nābīl Hāshim Al-Qumarī, Beirut: Dār Al-Bashā’ir, 1434 AH.
- Rāmyār, Maḥmūd, History of Qur’an, Tehran: Sepehr Publication, 1362 SAH.
- Rajabī Qudsi, Muḥsin, The history of writing the Qur’an and Readings, Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Sayyid Murtizā ‘Alamulhudā, Al-Zakhīra fi ‘Ilm Al-Kalām, ed. Aḥmad Ḥusiyñ Ashkūrī, Qom: Al-Nashr Al-Islāmī Foundation, 1411AH.
- Suyūtī, ‘Abd al-Rahmān b. AbīBakr, Al-Itghān fi ‘Ulūm Al-Qur’ān, ed. Muṣṭafā Dīb Al-Baqa, Beirut: Dār Ibn Kathīr, 1416AH.
- Shubiyrī, Sayyid Jawād, Attached article of A short review of the long-standing disputes about the non-deficiency and excess of the Qur’an, inserted in Articles about Ziydīy and Imāmīya History, Tehran: Baṣīrat, 1388SAH.
- Sha’rānī, Mīrzā Abulḥasan, Nathr Tūbā(Encyclopedia of Holy Qur’an Vocabularies), Tehran: Islāmīya Bookstore.
- Shiybānī, Muḥammad b. Ḥasan, Nahjulbayān ‘An Kashf Ma’ānī Al-Qur’an, ed. Ḥusiyñ Dargāhī, Tehran: Islamic World Encyclopedia Foundation, 1413AH.
- Sayyid b, Tāwuz, ‘Alī b. Mūsā, Sa’d Al-Su’ūd, Najaf: Al-Ḥiydarīyī, 1369AH.
- Ṣan’ānī, ‘Abdurrazzāgh, Al-Muṣannaf, ed. Ḥabīb Al-Raḥmān Al-A’Zamī, Beirut: Al-Maktab Al-Islāmī, 1403 AH.
- Tāliqānī, Sayyid Maḥmūd, Partuwī az Qur’an, Entesharco, 1362SAH.
- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusiyñ, Al-Mizan fī Tafsīr Al-Qur’an , Beirut, A’lamī lil Maṭbū’āt, 1390 SAH.
- Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, Al-Mu’jam Al-Kabīr, ed. Ḥamdū b. ‘Abdulmajīd Al-Salafī, Cairo: Maktabat ibn Tīmīyī.
- Ṭabarṣī, Fadhl b. Ḥasan, Majma’ al-Bayān, Tehran, Naṣīr Khosrow, 1372 SAH.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, Jāmi’ al-Bayān, Beirut, Dāral Ma’refa, 1412 AH.
- Ṭayālīsī, Abūdawūd, Musnad, ed. Muḥammad b. ‘Abdulmuḥsin Al-Turkī, Egypt: Dār Hijr, 1419AH.
- ‘Āmilī, Sayyid Ja’far Murtizā, Ḥaqā’iq Hāmmat Haul Al-Qur’an Al-Karīm, Qom: Al-Nashr Al-Islāmī, no date.
- ‘Arūsī Ḥuwiyyī, ‘Abd ‘Alī, Nūr al-Thaqalayn, Qom, Ismā’īlīyān, 1415 AH.
- Farrā’, Yaḥya b. Ziyād, Ma’ānī al-Qurān, ed. Aḥmad Yūsuf Nijātī, Muḥammad ‘Alī Al-Najjār wa ‘Abdulfattāḥ Ismā’īl Al-Shalbī, Egypt: Dār Al-Miṣrīya, no date.
- Fakhr Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar, Mafātīḥ al-Qayb, Beirut, Dār Iḥyā al-Turāth al-‘Arabi, 1420 AH.
- Fiydh Kāshānī, Mullā Muḥsin, Tafsīr Ṣāfi, Tehrān: Ṣadr, 1415 AH.
- Qatada b. Dī’ama Sadūsī, Al-Nasikh wa Al-Mansūkh, ed. Ḥātam Ṣāliḥ Al-Zāmin, Beirut: Al-Risāla, 1409 AH.

- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb, al-Kāfī, Tehran, Islāmīa, 1407 AH.
- Lisānī Fishārakī, MuḥammadĀlī and Ḥusiyn Murādī Zanjānī, Surah ology (Sūrishināsū): a structural research method in the Holy Quran, Qom: Naṣāyih, 1394SAH.
- Lisānī Fishārakī, MuḥammadĀlī, Ordering Interpretation of Quran(First Book: Nās to Qadr), Tehran: Ṣaduchaharda, 1399SAH.
- Lisānī Fishārakī, MuḥammadĀlī and Ḥusiyn Murādī Zanjānī, Quranic Studies in Prophethood Method, Tehran: Ṣaduchaharda, 1398SAH.
- Māturīdī, Muḥammad b. Muḥammad, Ta‘wīlāt Ahl al-Sunnah, Beirut, Dār al-Kutub al- ‘Ilmiya, 1426 AH.
- Mujāhid b. Jabr, Tafsīr, ed.Muḥammad ‘Abdussalām Abūniyl, Dār Al-Fikr Al-Islāmī Al-Ḥadītha, Egypt:1410AH.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir, Biḥar al-Anwār, Beirut, Dār Ihyā al-Turāth al-‘Arabī, 1403 AH.
- Muqātil b. Sulaymān, al-Tafsīr, Beirut, Dār Ihyā’ al-Turāth, 1423 AH.
- Mūsavī Dārābī, Sayyid ‘Alī, Nuṣūṣ fī ‘Ulūm Al-Qur’an, ed. Muḥammad Wā‘izzḥdi Khurāsānī, Mashhad: Majma’ Al-Buḥūth Al-Islāmīya, 1393SAH.
- Nasa’ī, Aḥmad b. Shu‘ayb, al-Sunan al-Kubrā, Beirut, Dārul Kutub al-‘Ilmiyyah, 1348 AH.
- Nūrī, Mīrzā Ḥusiyn, Mustadrak al-Wasā’il, Qom, Āl al-Biyt Foundation, 1407 AH.
- Wāqidī, Muḥammad b. ‘Umar, Al-Maghāzī, ed.Marsden Jones, Beirut: Dār Al-A‘lamī, 1409AH.
- Ya‘qūbī, Aḥma b. Eshāq, Tārīkh Al-Ya‘qūbī, ed. Khalī Al-Manṣūr, Qom: Dār Al-Zahrā, 1387SAH.
- Hannād b. Sarī, Al-Zuhd, ed.’Abdurrahmān ‘Abdujjabbār Al-Farīwānī, Dār Al-Khulafā lil Kitāb Al-Islāmī, Kuwait, 1406AH.